



A Survey on the Consensus Decision No. 729 of General Board of the Supreme Court in based on the Legal Nature of Electronic Funds Transfer

Hamid Miri¹ | Hossein Kaviar²

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Humanities, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran. (Corresponding Author) ha_miri@gonbad.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran. h-kaviar@araku.ac.ir

Article Info	Abstract
Article type: Scientific Received: 2025/08/06 Received in revised form: 2025/09/20 Accepted: 2025/10/02 Keywords: <i>Fraud Relating to Computer, Electronic Funds Transfer, legal Nature, Taking a Property. The plaintiff's Bank.</i>	Electronic funds transfer is one of the most widely used tools for payment and movement of funds in which the customer gives the bank an order to transfer funds electronically and depending on the type of transfer as prespective inter-bank or extrior bank transfer one or several banks may play a role. There is a dispute among some courts in finding jurisdiction as to result crimes in the sense of weather taking a property by criminal is a required element of crime or not This issue occures where someone transfers money from him/her account to the account of the criminal through electronic funds transfer system while both of them are located in two jurisdictions some considered location of the defendant bank (the bank in which the accused has an account) to be competent while other courts believe that plaintiff court has competence. At last the General Board of the Supreme Court, by issuing a consensus decision No. 729 ruled that the first location, i.e. the place where the victim's account is over there is competence. This article is based on a descriptive-analytical method, utilizing library resourcess and scholarly opinions and judicial precedents shows that from the perspective of the legal nature of electronic funds transfer there is no chance to believe to competence of court of plaintiff's bank.
How To Cite	Miri, Hamid, Kaviar, Hossein. (2025). A Survey on the Consensus Decision No. 729 of General Board of the Supreme Court in based on the Legal Nature of Electronic Funds Transfer. Journal of Judgment, 123(3), 152-167. http://doi.org/10.22034/judg.2025.2060780.1469
DOI	10.22034/judg.2025.2060780.1469
Publisher	Publications of the Judiciary of Tehran Province



بررسی رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور بر پایه سرشت حقوقی انتقال الکترونیکی وجوه

حمید میری^۱ | حسین کاویار^۲

۱. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گنبدکاوس، گنبدکاوس، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه:

ha_miri@gonbad.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران. رایانامه:

h-kaviar@araku.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۵/۱۵

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۷/۱۰

کلیدواژه:

کلاهبرداری رایانه‌ای، انتقال الکترونیکی وجوه، سرشت حقوقی، تحصیل مال، بانک بزه دیده.

انتقال الکترونیکی وجه یکی از ابزارهای پرکاربرد در راستای پرداخت و جابه‌جایی وجه است. در این روش مشتری دستور انتقال وجه را از طریق ابزار الکترونیکی به بانک می‌دهد و بسته به اینکه انتقال درون بانکی یا برون بانکی باشد، یک یا چند بانک در اجرای آن دخیل خواهند بود. هرگاه شخصی از طریق ابزارهای الکترونیکی وجهی را از حساب خود به حساب متهم یا بزه‌کاری واریز کند و حساب‌ها در دو حوزه قضایی متفاوت باشند، این پرسش پیش می‌آید که کدام دادگاه صالح است. درباره تعیین دادگاه صالح در بزه‌های مالی که مقید به نتیجه و بردن مال‌اند همچون کلاهبرداری رایانه‌ای میان شعب دادگاه‌ها اختلاف نظر وجود داشته است. برخی دادگاه‌ها دادگاه محل بانک شاکی (بانکی که به وی دستور انتقال داده شده است) را صالح دانسته‌اند و برخی دیگر دادگاه محل بانک متشاکی را (بانکی که متهم در آن حساب دارد). هیئت عمومی دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ نخستین محل یعنی جایی را که پول از حساب بزه دیده بیرون می‌رود، شایسته رسیدگی دانست. روش تحقیق به‌کاررفته در این نوشتار، توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای و مطالعه دیدگاه‌های حقوقی و آرای قضایی نشان داده می‌شود که از دید ماهیت حقوقی انتقال الکترونیکی وجه در هیچ حالتی نمی‌توان دادگاه محل بانک شاکی را صالح دانست، بلکه همواره باید دادگاه محلی را که بانک متشاکی در آن قرار دارد، صالح به رسیدگی دانست.

استناد

میری، حمید؛ کاویار، حسین. (۱۴۰۴). بررسی رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور بر پایه سرشت حقوقی انتقال الکترونیکی وجوه، فصلنامه قضاوت، ۱۶۷-۱۵۲، (۳) ۱۲۳.

<http://doi.org/10.22034/judg.2025.2060780.1469>

[10.22034/judg.2025.2060780.1469](https://doi.org/10.22034/judg.2025.2060780.1469)

DOI



انتشارات دادگستری کل استان تهران

ناشر

مقدمه

مطابق قانون آیین دادرسی کیفری اصل بر شایستگی محل ارتکاب بزه است. این قاعده در بزه ساده با دشواری چندانی مواجه نیست، اما در بزه مرکب، چون رکن مادی آن آمیزه‌ای از دو یا چند رفتار است، شناخت نهاد شایسته پیچیده‌تر است؛ زیرا اگر هر بخش از رکن مادی جرم (از نخستین بخش تا بخش پایانی آن) در حوزه‌های قضایی متفاوت رخ داده باشد، می‌توان هریک از این حوزه‌ها را شایسته دانست. کلاه‌برداری، نمونه‌ای روشن از این موضوع است؛ بزه‌ی که بخشی از آن را فریب و بخش دیگرش را بردن مال دیگری در برمی‌گیرد. این دشواری تا پیش از کاربرد شیوه‌های نوین انتقال پول پیچیده نبود؛ زیرا معمولاً فریب‌خورده به‌طور مستقیم مال منقول یا غیرمنقول خود را به بزه‌کار منتقل می‌کرد؛ اما امروزه چه بسیار بزه‌دیدگانی که از طریق ابزار الکترونیکی یا غیر الکترونیکی همانند حواله‌های بانکی، درگاه‌های پرداخت ساختگی و یا کارت‌های برداشت پول خود را به حساب بزه‌کار منتقل می‌کنند. از دید تخصصی، چنین جابه‌جایی را «انتقال الکترونیکی وجوه» می‌نامند که در آن یک یا چند واسطه، که معمولاً بانک است، نقش اصلی را ایفا می‌کند. در این شیوه، هر دو حساب طرفین انتقال نزد بانک‌ها در این جابه‌جایی دخالت دارند؛ بدین گونه که بزه‌دیده به بانک خود دستور می‌دهد که مقدار پولی را به حساب بزه‌کار واریز کند.

اگر هر دو بانک در یک حوزه قضایی باشد، مشکلی پدیدار نمی‌شود؛ اما وقتی بانک‌ها در قلمرو قضایی متفاوت قرار دارند، مانند اینکه بزه‌دیده‌ای از طریق حساب خود در شعبه بانکی در گنبدکاوس، پولی را به حساب بزه‌کار در شعبه بانکی در تهران واریز کند، این پرسش پیش می‌آید که بزه در کدام محل رخ داده است و کدام دادگاه صالح است: در حوزه قضایی بانکی که انتقال‌دهنده پول بوده است یا در جایی که حساب گیرنده قرار دارد؟ این پرسش در بزه‌های مالی همچون کلاه‌برداری، سرقت، خیانت‌درامانت نیز مطرح می‌شود. برای نمونه اگر دزدی پولی را از حساب مال‌باخته به حساب خود انتقال دهد، باید دید عمل ربایش مال دیگری در کجا انجام شده است؟ یا هنگامی که بزه‌دیده بر اثر فریب بزه‌کار وجهی را از حساب خود به حساب او واریز می‌کند و یا اینکه امینی مبلغی که به امانت به او سپرده شده است، به حساب خود انتقال دهد، همین مسئله پیش می‌آید. با این حال، در بزه‌ی مانند خیانت‌درامانت نیازی نیست که نتیجه‌ای پدیدار شود، بلکه همین که امین به خلاف خواست سپارنده، رفتاری زیان‌بار کند، جرم واقع شده است. برای نمونه اگر پولی را که به او سپرده شده است، صرف خرید کالایی برای دیگری کند، خیانت‌درامانت محقق شده است. درحالی‌که در جرائم سرقت و کلاه‌برداری، عنصر مادی جرم مستلزم آن است که ربایش یا فریب در جهت تملک و تصاحب مال غیر صورت گیرد؛ به نحوی که مال از دارایی بزه‌دیده خارج و به دارایی مرتکب افزوده شود. از آنجاکه مقرّر بانک بزه‌کار و بزه‌دیده ممکن است متفاوت باشد،

این موضوع باعث بروز اختلاف میان شعب مختلف شده بود و هیئت عمومی دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ با این برداشت رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ را صادر کرد: «نظر به اینکه در صلاحیت محلی، اصل صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است و این اصل در قانون جرائم رایانه‌ای نیز (مستفاد از ماده ۲۹) مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته، بنابراین در جرم کلاهبرداری مرتبط با رایانه هرگاه تمهید مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه‌های قضایی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاهی که بانک افتتاح کننده حساب زیان دیده از بزه که پول به‌طور متقلبانه از آن برداشت شده در حوزه آن قرار دارد، صالح به رسیدگی است...».

درباره رأی موردبررسی، نوشتارهای انتقادی نیز دیده می‌شوند (بشیریه، ۱۴۰۲: ۵۳۸-۵۳۶) ولی هیچ‌یک از آن‌ها بر پایه سرشت حقوقی انتقال الکترونیکی وجوه موضوع را بررسی نکرده‌اند. به‌هرروی، علت تعارض آرای دادگاه‌ها، اختلاف در تعیین زمان وقوع بزه کلاهبرداری است، به این معنا که آیا رکن بردن مال با انتقال وجه از حساب بزه‌دیده محقق می‌شود یا با ورود مبلغ به حساب بزه‌کار؟ با این حال، در این مقاله رأی وحدت رویه از دید سرشت حقوقی انتقال وجوه بررسی می‌شود.

۱. کاربست اصل شایستگی دادگاه محل وقوع جرم بر بزه کلاهبرداری

در آغاز مروری بر اصل صلاحیت محل وقوع جرم خواهیم داشت و سپس اعمال آن را در زمینه کلاهبرداری رایانه‌ای بررسی می‌کنیم:

۱-۱. اصل شایستگی دادگاه محل وقوع بزه

شایستگی محل رخداد بزه اصلی، شناخته‌شده در حقوق بیشتر کشورها است (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۸۲) که قانون‌گذار ما نیز از دیرباز آن را به کار گرفته است. منظور از محل وقوع بزه مکانی است که رکن مادی آن تحقق می‌یابد. شناخت محل وقوع جرم در بزه‌های آنی نسبتاً ساده است، اما در زمینه بزه‌های مستمر، به‌عادت و مرکب با پیچیدگی‌هایی همراه است؛ زیرا رکن مادی این جرائم در طول زمان تکرار و یا از چند بخش تشکیل می‌شوند. کلاهبرداری یکی از بزه‌های مرکب است که از دو رکن^۲ «اعمال شیوه‌های فریب‌کارانه» و «بردن مال دیگری» شکل گرفته است. اکنون باید مشخص شود که محل رخداد بزه کجا است؟ جایی که رکن نخست انجام می‌شود یا جایی که هر

۱. قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۹ رمضان ۱۳۳۰.

۲. برخی از نویسندگان حقوق کیفری آن را از سه بخش به کار بستن ابزار فریب‌کارانه، فریب بزه‌دیده و گرفتن مال تعریف کرده‌اند (گلدوزیان، ۱۳۸۱: ۱۶۷؛ طهماسبی، ۱۳۹۸: ۴۴).

دو رکن تحقق می‌یابند؟ همچنین درباره رکن دوم، آیا صرف تحویل مال کافی است یا بردن آن از سوی بزه‌کار نیز ضروری است؟

۲-۱. کاربست اصل بر کلاهبرداری سنتی

هرچند برخی بر این باورند که با توجه به ماهیت این بزه که متشکل از سلسله‌ای از رفتارهای متوالی است و از آنجا که این افعال ممکن است در مکان‌های مختلف تحقق یابند، کلیه‌ی دادگاه‌هایی که یکی از اجزای رفتار مجرمانه در حوزه‌ی قضایی آن‌ها واقع شده است، صلاحیت رسیدگی را دارا خواهند داشت (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۱۴۵)، اما مشهور حقوقدانان و رویه قضایی بر ضرورت پدیدار شدن هر دو رکن این جرم تأکید کرده‌اند. بر این اساس، استناد شعبه یازدهم دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۰۰۹۹۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ به مواردی مانند «محل کار و اقامت شاکی یا محل تماس تلفنی و فریب خوردن شاکی» نقشی در شناسایی نهاد شایسته برای رسیدگی نخواهد داشت. در خصوص رکن دوم (سوم) از ارکان تشکیل دهنده کلاهبرداری، دکترین حقوقی بر این باور است که عمل تحصیل و بردن مال، دو قید لازم برای وقوع کلاهبرداری‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۹۳؛ گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۵۳۵؛ گلدوست جویباری، ۱۴۰۱: ۲۵۷). بر پایه همین برداشت، چک تحصیل شده می‌بایست به بانک ارائه و نقد شود. پس اگر کسی با به‌کارگیری ابزار و شیوه‌های فریب‌کارانه، امتیاز وامی به دست آورد، بزه کلاهبرداری هنگامی رخ می‌دهد که وام در عمل دریافت شود. از این واژگان چنین برمی‌آید که تصرف فیزیکی بر مال به‌دست‌آمده، ضرورت دارد و فقط تصرف حقوقی کافی نیست. بدین بیان اگر مبلغ وام در حساب فریب‌کار واریز شود تا هنگامی که وی عملاً وجه را دریافت نکند، کلاهبرداری محقق نخواهد شد.

پس از بروز اختلاف و صدور آرای متعارض در راستای شناسایی نهاد شایسته برای رسیدگی به بزه کلاهبرداری رایانه‌ای، شعبه یازدهم دیوان عالی کشور به اختلاف صلاحیت میان دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان (محل اقامت شاکی یا مبدأ انتقال وجه) و دادسرای عمومی کرج (مقصد انتقال وجه) رسیدگی کرد. به موجب دادنامه شماره ۰۰۹۹۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ با این استناد که «محل کار و اقامت شاکی، محل برقرار شدن تماس تلفنی و فریب خوردن او و همچنین محل انجام عملیات بانکی و انتقال وجه از حساب شاکی به حساب مورد نظر متهم، اصفهان بوده است...» صلاحیت دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان را تأیید کرد. شعبه سی و دوم دیوان عالی کشور نیز در این موارد بر شایستگی دادسرای مبدأ بزه تأکید داشت و با استدلال بر اینکه «جرم مورد ادعا به محض برداشت وجه از حساب شاکی در مبدأ تحقق یافته و حساب مقصد که وجه مذکور به آن واریز شده است، در صلاحیت تأثیری نخواهد گذاشت»، صلاحیت آن دادسرا را تأیید

کرد. در برابر، شعبه هفدهم دیوان عالی کشور شایستگی دادسرای مقصد انتقال وجه را تأیید کرد و در راستای حل اختلاف پدیدآمده میان دادسراهای عمومی و انقلاب اسفراین (مبدأ انتقال وجه) و دادسرای تهران (مقصد انتقال وجه)، در دادنامه شماره ۰۰۶۴۳ به تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۰۳ استدلال کرد: «مقدمات ارتکاب بزه از جمله طراحی نقشه و عملیات اجرایی در حوزه قضایی تهران تدارک شده و نتیجه اقدامات مزبور نیز که بردن مال غیر به نحو متقلبانه بوده است، در همین حوزه به دست آمده و امکان برداشت و تحصیل وجوه فراهم گردیده است...» بر این اساس دادسرای عمومی و انقلاب تهران را صالح دانست. همچنین، شعبه ششم دیوان عالی کشور در موارد مشابه به همین شیوه عمل کرده است.

بخش نخست این رأی گویای همان دیدگاه مشهور حقوقی است که در بزه مرکب محلّ رخداد نتیجه جایی است که بزه در آنجا رخ داده است و در بخش دوم و اصلی، محلّ رخداد نتیجه را شناسایی می‌کند. روشن است که در آرای متعارض دو معیار در نظر گرفته شده است؛ معیاری که بر قابلیت برداشت وجه و معیاری که بر واریز وجه تأکید دارد. به دیگر سخن، در معیار نخست، ملاک، بردن یا تصاحب مال دیگری جابه‌جایی مبلغ به تصرف متهم در حساب خود است و در معیار دوم، خروج وجه از حساب بزه‌دیده در بانک گشاینده حساب دانسته شده است. در این زمینه، هیئت عمومی دیوان عالی کشور دادگاه محل استقرار بانک افتتاح‌کننده حساب بزه‌دیده‌ای را که پول به‌طور متقلبانه از آن برداشت شده است، شایسته دانست.

۲. کاربست قاعده بر کلاهبرداری رایانه‌ای

اکنون با توجه به توضیحات ارائه‌شده و معنای کلاهبرداری رایانه‌ای، چگونگی کاربست اصل پیش‌گفته در این نوع بزه بررسی می‌شود:

۲-۱. معنای کلاهبرداری رایانه‌ای

از منظر قانون، کلاهبرداری رایانه‌ای به شرح ماده ۶۷ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ تعریف شده است: «هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی، با سوءاستفاده یا استفاده غیرمجاز از داده‌پیام‌ها، برنامه‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و وسایل ارتباط از راه دور و ارتکاب افعالی نظیر ورود، محو، توقف داده‌پیام، مداخله در عملکرد برنامه یا سیستم رایانه‌ای و غیره دیگران را بفریبد و یا سبب گمراهی سیستم‌های پردازش خودکار و نظایر آن شود و از این طریق برای خود یا دیگری وجوه، اموال یا امتیازات مالی تحصیل کند و اموال دیگران را ببرد». همچنین ماده ۱۳ قانون جرائم رایانه‌ای نیز تعریفی مشابه ارائه می‌دهد و کلاهبرداری رایانه‌ای (مرتبط با رایانه) را چنین توصیف

می‌کند: «هرکس به‌طور غیرمجاز از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سامانه، وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند». تعریف قانون جرائم رایانه‌ای از این بزه لزوماً پیوندی با رفتار فریب‌آمیز ندارد.^۱

به این معنا که دریافت مال از طریق اقداماتی مانند واردسازی، دگرگونی، ناپدیدسازی، توقف و اختلال در سامانه‌ها می‌تواند نمونه‌ای از رکن مادی بزه «تحصیل مال از طریق ناروا» باشد. برای مثال برداشت پول از حساب بانکی شخص با بهره‌گیری از درگاه پرداخت جعلی یا دستکاری کدهای سایت اینترنتی از سوی برنامه‌نویس برای جابه‌جایی بخشی از وجوه پرداختی خریداران به حساب خود، از مصادیق این نوع بزه است. با این نگرش، حکم ماده ۱۳، گویای بزه‌انگاری رفتاری است که با بزه «کلاهبرداری رایانه‌ای» موضوع ماده ۶۷ قانون تجارت الکترونیکی^۲ تفاوت دارد و بنابراین گزینش عنوان «کلاهبرداری مرتبط با رایانه» در قانون جرائم رایانه‌ای را می‌بایست بر مسامحه بار کرد.^۳

دیدگاه دیگر این است که با توجه به ویژگی‌های ارتباطات الکترونیکی، لزومی به وجود قربانی فریب‌خورده نیست؛ زیرا بسیاری از اقدامات در این بستر بدون تمرکز بر قربانی مشخص انجام می‌شوند و حتی ممکن است بزه‌کار با دستکاری در سیستم رایانه‌ای، نتیجه دلخواه خود را به دست آورد که در این صورت هیچ قربانی فریب‌خورده‌ای وجود ندارد (عالی‌پناه، ۱۳۸۳: ۲۳۱-۲۳۲). البته، برخی با استناد به عبارت «بستر مبادلات الکترونیکی» در ماده ۶۷ بر این باورند که قلمرو حکم این ماده صرفاً دربرگیرنده رفتاری می‌شود که در قلمرو «مبادله الکترونیکی» انجام شده است. حال آنکه تعریف ماده ۱۳ شامل رفتارهایی است که در غیر از بستر مبادله الکترونیکی نیز روی می‌دهد. از این منظر، به لحاظ رابطه عام و خاص، هرگاه کلاهبرداری هنگام مبادله الکترونیکی رخ

۱. به نظر می‌رسد که نویسندگان این ماده ۸ کنوانسیون بوداپست در زمینه بزه‌های سایبری بهره برده‌اند، با این تفاوت که در این ماده به انجام عمدی و بدون اجازه همراه با قصد فریب تصریح شده است.

۲. با نگرش به اینکه بسیاری از فرایندهای الکترونیکی به‌صورت خودکار انجام می‌شوند، قانون‌گذار فریب دادن سامانه‌های خودکار را که شخص به‌شمار نمی‌رود، برای پیدایش بزه کلاهبرداری کافی دانسته است.

۳. این تسامح را قانون‌گذار در گزینش عنوان کلاهبرداری درباره بزه موضوع ماده ۵۹۶ ق.م.ا نیز انجام داده است. در پرونده‌ای که متهم از کارکنان شرکت ارائه‌کننده دستگاه‌های کارت‌خوان بود، وی پس از تحویل دستگاه و رمز آن به مشتریان به‌واسطه در اختیار داشتن رمز کارت‌ها در چهارچوب پرداخت الکترونیکی (خرید اینترنتی) و از طریق دستگاه‌های خودپرداز از آن‌ها سوءاستفاده‌های جزیی می‌کرد. همچنین با تصاحب تعدادی از کارت‌ها، آن‌ها را به مشتریان تحویل نمی‌داد. در نتیجه مستند به ماده ۱۳ رفتار وی با عنوان بزه‌کارانه در قالب «تحصیل مال از طریق نامشروع» شناخته شد. برگرفته از وب‌سایت سامانه ملی آرای قضایی پژوهشگاه قوه قضائیه (واپسین بازدید

دهد، مشمول مادهٔ ۶۷ است و در غیر این صورت، مشمول مادهٔ ۱۳ خواهد بود (میرمحمدصادقی و شایگان، ۱۳۸۹: ۱۴۴).^{۱۲} باوجوداین، چون تعریفی از «مبادلهٔ الکترونیکی» در قانون تجارت الکترونیکی،^۲ در قلمرو ارتباطات الکترونیکی^۳ ارائه نشده است، دیگر نمی‌توان میان دو مادهٔ یادشده رابطهٔ عام و خاص برقرار کرد؛ بنابراین اگر مادهٔ ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای را ناظر بر بزه تحصیل مال از طریق نامشروع و مادهٔ ۶۷ را ویژهٔ کلاهبرداری در معنای رایج آن ندانیم، ناگزیر باید به نسخ مادهٔ ۶۷ قانون تجارت الکترونیکی باور داشت.^۵ به هر روی، چه کلاهبرداری رایانه‌ای در معنای سنتی آن مستلزم فریب‌کاری و فریب‌خوردگی باشد، چه نباشد، در این نکته تردیدی نیست که تحقق جرم، منوط به بردن مال از سوی کلاهبردار است.

۳. این واژگان در قانون نمونه آنسیترال به چشم نمی خورد و به نظر می رسد که برگردانی از واژه Electronic Transaction باشد، با این تفاوت که منظور از آن همان ارتباط الکترونیکی است. برخی (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۴۷-۱۴۸) نیز با ذکر نمونه هایی این اصطلاح را به اندیشه آورده اند.

۵. برخی نویسندگان (طباطبایی، همان: ۱۴۶) با استناد به ماده ۵۶ قانون جرائم رایانه‌ای به نسخ صریح آن و برخی دیگر (رستمی، ۱۳۹۸: ۵۳؛ پورابراهیم، ۱۴۰۱: ۱۲۷-۱۲۸) با استناد به همسانی رکن مادی دو مقرر به نسخ ضمنی ماده ۶۷ باور دارند. پذیرش چنین برداشتی با توجه به نسخ صریح تبصره ماده ۱۳ به موجب قانون کاهش مجازات تعزیری مصوب ۱۳۹۹ دشوار است.

با این حال، پرسش این است که اگر بخشی از رفتار مادی بزه کلاهبرداری به شیوه غیر الکترونیکی (سنتی) انجام شود، آیا باز هم موضوع را می‌توان کلاهبرداری رایانه‌ای نامید؟ برای نمونه، فرض کنید کسی در سایتی اینترنتی آگهی دروغین فروش کالا منتشر کند، اما بزه‌دیده مبلغی را به صورت دستی به او تحویل دهد و یا فردی با تماس تلفنی، خود را فروشنده کالایی معرفی کند و شنونده فریب خورده از طریق همراه بانک یا خودپرداز، پولی را به حساب بزهکار واریز کند. مشخص است که در این حالات در وقوع بزه کلاهبرداری تردیدی وجود ندارد و ابهام صرفاً در شناسایی رکن قانونی قابل اعمال و نیز مسائل فرعی مرتبط، مانند تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی^۱ مطرح می‌شود. در پاسخ باید گفت از آنجاکه این مواد بر رفتارهایی چون ورود، محو، دگرگونی، توقف یا ایجاد اختلال در داده‌ها دلالت دارند،^۲ به‌ویژه در ماده ۶۷ که بر وقوع رفتار بزهکارانه در بستر مبادلات الکترونیکی تأکید شده

۱. «در خصوص شکایت... دایر بر کلاهبرداری سنتی به مبلغ... بدین شرح که شاکی مدعی است. ضمن ملاحظه آگهی خلاف واقع در برنامه دیوار پس از توافقات صورت گرفته اقدام به واریز مبلغ فوق به شماره کارت اعلامی نموده است، متعاقباً تصویر فاکتور و بارنامه برای وی ارسال گردید، لکن موتورسیکلت ارسال نشده است، با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده و صرف نظر از صحت و سقم موضوع شکایت، با عنایت به اینکه در صلاحیت محلی، اصل بر صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است و بزه کلاهبرداری نیز جرمی مرکب و مقید به نتیجه و تحقق آن منوط به بردن مال بزه دیده است و اقدامات انجام شده در شهر مبدأ مقدمات جرم بوده است و نتیجه نهایی عمل و تصاحب بر مال شاکی در جایی محقق شده است که متهم در آنجا افتتاح حساب نموده است... لذا به استناد به ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار عدم صلاحیت به اعتبار و شایستگی دادرسی عمومی و انقلاب... صادر و اعلام می‌نماید. سپس پرونده به دادرسی عمومی و انقلاب... ارسال ولیکن دادرسی مذکور با این استدلال قرار را نپذیرفته است: در خصوص قرار عدم صلاحیت... دایر بر کلاهبرداری سنتی بدین توضیح که مقام محترم قضایی با این استدلال که چون محل افتتاح حساب شاکی... است، لذا قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادرسی... صادر نموده این در حالی است که طبق رأی وحدت رویه تنها در کلاهبرداری رایانه‌ای محل افتتاح حساب شاکی صالح است و نکته جالب‌تر خود همکار محترم قضایی در قرار خود قید نموده که کلاهبرداری سنتی بوده است. لذا به لحاظ استدلال ارائه شده، دادرسی... صلاحیت رسیدگی داشته... ضمن اختلاف با قرار عدم صلاحیت صادره و با نفی صلاحیت از خود، قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار و شایستگی دادرسی شهرستان... صادر و اعلام می‌نماید...». برگرفته از وبسایت سامانه ملی آرای قضایی پژوهشگاه قوه قضائیه (واپسین بازدید ۱۴۰۴/۰۱/۱۰): <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/38442>

۲. در دادنامه‌ای چنین آمده است: «در خصوص شکایت... دایر بر کلاهبرداری سنتی و تحصیل مال از طریق نامشروع به مبلغ یازده میلیون و پنجاه هزار تومان جهت خرید دو دستگاه گوشی همراه، با عنایت به محتویات و مذاقه در اوراق پرونده و توجه‌ها به اینکه هرچند شاکی در اظهارات خود در پرونده تلویحاً بیان داشته که متهم با فریب و القای اینکه گوشی همراه خود را با تخفیف در سایت اینترنتی در معرض فروش قرار داده و در واقع بنده را مجاب نموده که مبلغی را برای او واریز نمایم که اشاره به کلاهبرداری مرتبط با رایانه دارد. النهایه با التفات به اینکه هیچ‌یک از ارکان مذکور در ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۸۸ (قانون جرائم رایانه‌ای) از قبیل واردکردن، تغییر، محو و... توسط متهم صورت نگرفته تا موضوع مشمول کلاهبرداری رایانه‌ای باشد و موضوع در فرض صحت ادعای شاکی کلاهبرداری سنتی ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ است». برگرفته از وبسایت سامانه ملی آرای قضایی پژوهشگاه قوه قضائیه (واپسین بازدید ۱۴۰۴/۰۱/۱۰): <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/37167>

است، مانور فریب کارانه می‌بایست از طریق ابزارهای الکترونیکی یا مخابراتی صورت گیرد، اما نیازی نیست که تحقق نتیجه آن نیز در همان بستر انجام شود. از این روی، اگر شخصی با انتشار آگهی در سایت‌های اینترنتی نیازمندی، به دروغ خود را خریدار کالایی معرفی کند و کسی فریب بخورد و برای او کالایی ارسال کند، کلاهبرداری رخ داده است. در مقابل، اگر کسی با حضور در خانه دیگری خود را نماینده شرکتی خوش نام معرفی کند و بزه‌دیده از طریق همراه بانک و یا مراجعه به بانک، مبلغی را به حساب بزه‌کار واریز کند، این رفتار مشمول تعریف کلاهبرداری رایانه‌ای نخواهد بود.

انتقال وجه به صورت الکترونیکی فقط هنگامی موضوعیت دارد که رفتار فریب‌آمیز در یکی از قالب‌های پیش‌بینی شده در مواد ۱۳ یا ۶۷ انجام شده باشد. از سویی، بحث کلاهبرداری رایانه‌ای و چالش تعیین نهاد شایسته برای رسیدگی به این بزه مطرح می‌شود، به طوری که صرف بهره‌گیری از فضای الکترونیکی برای فریب دیگری، خواه از طریق دریافت مال به صورت فیزیکی یا تحویل سند مالی مانند چک و خواه به شکل انتقال وجه الکترونیکی از طریق حساب بانکی یا رمزارز، کافی است. پروتوضیحات ارائه شده در مقدمه، تمرکز این نوشتار تعیین دادگاه شایسته برای رسیدگی در فرض انتقال الکترونیکی وجه است.

به یادآوری این نکته نیاز است که ملاک رأی وحدت رویه، در خصوص بزه‌هایی که تحصیل مال از ارکان آن‌ها است، مانند سرقت رایانه‌ای، نیز کاربرد دارد.

۲-۲. اختلاف در شناخت نهاد شایسته برای رسیدگی کلاهبرداری رایانه‌ای

با افزایش بهره‌گیری بزه‌کاران از ابزارهای رایانه‌ای و ارتباطی، آرای متعارضی در زمینه شناسایی نهاد شایسته برای رسیدگی به کلاهبرداری رایانه‌ای پدید آمد. برای نمونه شعبه یازدهم دیوان عالی کشور در پی حل اختلاف میان دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان که «محل اقامت شاکی/مبدأ انتقال وجه» را شایسته رسیدگی می‌دانست و در مقابل دادسرای عمومی کرج که «مقصد انتقال وجه» را صالح می‌دانست، به موجب دادنامه شماره ۰۰۹۹۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ با این استدلال که: «محل کار و اقامت شاکی، محل برقرار شدن تماس تلفنی و فریب خوردن شاکی و همچنین محل انجام عملیات بانکی و انتقال وجه از حساب شاکی به حساب مورد نظر متهم، اصفهان بوده است» شایستگی دادسرای مبدأ انتقال وجه را تأیید کرد. به همین ترتیب، شعبه سی و دوم دیوان عالی کشور با این استدلال که: «جرم مورد ادعا به محض برداشت وجه از حساب شاکی در مبدأ تحقق یافته و حساب مقصد که وجه مذکور به آن واریز شده در صلاحیت تأثیری نخواهد گذاشت»، صلاحیت دادسرای مبدأ انتقال وجه را پذیرفت. در نقطه مقابل، شعبه هفدهم دیوان عالی کشور در راستای حل اختلاف میان دادسرای عمومی اسفراین (مبدأ انتقال وجه) و دادسرای تهران (مقصد انتقال

وجه) به موجب دادنامه شماره ۰۰۶۴۳ به تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۰۳ به شایستگی دادرسی مقصد انتقال وجه حکم داد. این شعبه استدلال کرد: «مقدمات ارتکاب بزه از جمله طراحی نقشه و عملیات اجرایی در حوزه قضایی تهران تدارک شده و نتیجه اقدامات مزبور نیز که بردن مال غیر به نحو متقلبانه بوده است در همین حوزه به دست آمده و امکان برداشت و تحصیل وجوه فراهم گردیده است». شعبه ششم دیوان عالی کشور نیز دیدگاهی مشابه ارائه کرده بود. بخش نخست این رأی گویای همان دیدگاه مشهور حقوقی است که در بزه مرکب، محل رخداد نتیجه جایی است که بزه در آن واقع شده است و بخش دوم و اصلی محل رخداد نتیجه را شناسایی می‌کند.

با بازتاب این اختلاف و پس از تنظیم گزارش دادستان کل کشور، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در نشست مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ دیدگاه آن دسته از دادرسان را پذیرفت که به شایستگی مبدأ انتقال باور داشتند: «جرم کلاهبرداری مرتبط با رایانه، هرگاه تمهید مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه‌های قضایی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاهی که بانک افتتاح‌کننده حساب زیان‌دیده از بزه که پول به‌طور متقلبانه از آن برداشت شده در حوزه آن قرار دارد، صالح به رسیدگی است». همان‌گونه که روشن است، در آرای متعارض به دو معیار توجه شده است: ۱- معیاری که قابلیت برداشت وجه را ملاک قرار می‌دهد؛ و ۲- معیاری که واریز وجه را در نظر می‌گیرد. به سخنی دیگر، در معیار نخست، ملاک بردن یا تصاحب مال دیگری، جابه‌جایی مبلغ و تصرف آن از سوی متهم در حساب بانک خویش است، در حالی که در معیار دوم، ملاک خروج وجه از تصرف بزه‌دیده با انتقال آن در بانک خود (بانک افتتاح‌کننده حساب) است. در این زمینه، هیئت عمومی دیوان عالی کشور دادگاهی را شایسته دانست که محل استقرار بانک افتتاح‌کننده حساب بزه‌دیده‌ای است که پول به‌طور متقلبانه از آن برداشت شده است.

با وجود این، آنچه از همه این دیدگاه‌ها پنهان مانده است، تأمل در سرشت حقوقی انتقال وجه است. شاید این پنداشت وجود داشته که انتقال وجه در معنای خاص خود مشابه انتقال پول نقد است که مستلزم جابه‌جایی به‌صورت فیزیکی از دستی به دست دیگر است. این در حالی است که ماهیت حقوقی انتقال وجه با این برداشت متفاوت است. نکته‌ای که می‌تواند در شناسایی نهاد قضایی صالح برای رسیدگی به بزه نقش مؤثری ایفا کند. البته این ماهیت فقط به شناخت نهاد شایسته برای رسیدگی به جرم، محدود نمی‌شود.

۳. انتقال الکترونیکی وجوه و سرشت آن

در این بخش، در آغاز معنای انتقال (الکترونیکی) وجه تبیین شده است و در ادامه سرشت حقوقی آن بررسی می‌شود:

۳-۱. معنای انتقال وجه

انتقال وجه یا پول (در معنای مجازی)^۱ جابه‌جایی غیرفیزیکی مبلغ سپرده‌شده نزد بانک یا مؤسسه اعتباری از حسابی به حساب دیگر است که اگر از طریق ابزار الکترونیکی برخط یا برون‌خط صورت گیرد، بدان انتقال الکترونیکی وجوه گفته می‌شود (Geva, 2017: 70). این جابه‌جایی از طریق صدور دستوری، خواه از سوی پرداخت‌کننده و خواه از سوی ذی‌نفع پرداخت، انجام می‌گیرد. بدین معنا که در یک حالت، شخص با صدور دستوری (از طریق ابزار فیزیکی یا الکترونیکی) به بانکی که در آن حساب دارد، اعلام می‌کند که مبلغ معینی را در هنگام مشخص به حساب بانکی شخص دیگری (ذی‌نفع انتقال) انتقال دهد و یا اینکه ذی‌نفع با اجازه پرداخت‌کننده، به بانک دستور می‌دهد که از حساب شخص دیگری مبلغی برداشت و به حساب خود واریز کند.

۳-۲. ماهیت حقوقی انتقال وجه

از آنجاکه در این جابه‌جایی، پول به معنای حقیقی آن منتقل نمی‌شود و منظور از «وجه»، چیزی جز واگذاری طلب (در غیر معنای حقوقی) مشتری از بانک به شخص دیگر نیست (امینی و میری، ۱۳۹۷: ۱۷۷-۱۸۱)، دکترین حقوقی سرشت حقوقی آن را بررسی کرده‌اند و گاه آن را سند قابل انتقال، گاه حواله و گاه قراردادی نامعین یا خاص دانسته‌اند.

تفسیر انتقال وجه به سند قابل انتقال به این معنا است که دستور انتقال وجه مانند چک یا برات عمل می‌کند و به بانک دستور می‌دهد که مبلغ مشخصی را در وجه انتقال‌گیرنده (ذی‌نفع) کارسازی کند (امینی و میری، ۱۳۹۵: ۵۶). بر مبنای تفسیر انتقال طلب، چون رابطه حقوقی میان دارنده حساب و بانک مبتنی بر بستانکاری و بدهکاری است، صدور دستور پرداخت به معنای انعقاد قرارداد انتقال طلب است؛ به طوری که ذی‌نفع پرداخت با پذیرش آن، بستانکار جدید بانک شمرده می‌شود و بانک موظف است که در زمان تعیین شده در دستور پرداخت مبلغ را به حساب وی منتقل کند (امینی و میری، ۱۳۹۷: ۱۷۶-۱۷۴). بر اساس نظریه نمایندگی، دستوردهنده بانک خود را نماینده خود برای پرداخت مبلغ به دیگری تعیین می‌کند. سرانجام، تفسیر انتقال وجه در چهارچوب قراردادی خاص گویای این است که موضوع قرارداد، بدهکاری حساب و انتقال دستور به بانک ذی‌نفع است و در مقابل، موضوع تعهد بانک ذی‌نفع در قبال ذی‌نفع، بستانکاری حساب او است؛ به گونه‌ای که بانک موظف به اجرای دستورهای انتقال صادرشده از سوی بانک پرداخت‌کننده خواهد شد.

۱. زیرا در حقیقت پول به معنای حقیقی آن جابه‌جا نمی‌شود.

۴. نهاد شایسته برای رسیدگی به کلاهبرداری رایانه‌ای بر پایه شناخت ماهیت حقوقی انتقال وجه

اکنون با توجه به تفسیری که از سرشت حقوقی انتقال وجه به دست آمده است، آیا می‌توان همواره دادگاه محل استقرار بانک انتقال‌دهنده یا دستوردهنده را صالح دانست؟ پیش از بررسی موضوع، لازم است فرض کنیم که در بزه مرکبی مانند کلاهبرداری، محل وقوع جرم همان جایی است که ارکان تشکیل‌دهنده آن کامل می‌شوند.

۴-۱. نظریه دستور پرداخت به‌عنوان سند قابل انتقال

اگر صدور دستور انتقال وجه از سوی بزه‌دیده برای واریز وجه به حساب بزهکار را همانند صدور سند قابل انتقالی مانند چک یا برات در نظر بگیریم،^۱ و بانک ذی‌نفع (بزهکار) را نماینده وی برای اجرای دستور ندانیم، در این صورت علاوه بر عمل «بردن»، «تحصیل» نیز محقق نشده است، بلکه بردن مال دیگری هنگام دریافت وجه از سوی بزهکار و یا انتقال آن به دیگری رخ می‌دهد. در این حالت، بزه کلاهبرداری در محل بانک بزهکار محقق می‌شود، نه محل بانک انتقال‌دهنده. اگر بانکی که بزهکار در آن حساب دارد، مأذون به دریافت دستور باشد، در این صورت فقط عمل «تحصیل سند» محقق می‌شود و هنوز بردن مال از سوی بزهکار (دارنده حساب) رخ نداده است؛ زیرا مبلغ سند هنوز وصول نشده است. حتی اگر فرض کنیم که صرف تحصیل سند مالی کافی است و به وصول مبلغ نیازی نیست، باز هم بزه در محل بانک دریافت‌کننده دستور رخ می‌دهد، نه در بانک شاکی؛ چراکه تحصیل سند از سوی بانکی که بزهکار در آن حساب دارد به نمایندگی از وی انجام می‌شود. البته با تأکید مواد ۱۳ و ۶۷ پر لزوم بردن مال دیگری همانند ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری، تردیدی نیست که صرف دستیابی به ابزار تحصیل مال کافی نیست.

۴-۲. نظریه دستور پرداخت به‌عنوان انتقال طلب

اگر صدور دستور انتقال وجه از سوی بزه‌دیده مانند ایجاد انتقال طلب تلقی شود،^۲ تا پیش از پذیرش این ایجاد از بانکی که بزهکار در آن حساب دارد (مشروط به مأذون بودن بانک) حق دینی به بزهکار منتقل نمی‌شود. پس از پذیرش دستور و حتی اگر فقط وقوع قرارداد انتقال تعهد را معادل بردن مال دیگری بدانیم، چون بزه‌دیده حق دینی خود را به بانک از دست می‌دهد و به جای آن، بزهکار به جانشینی وی حق دینی به دست می‌آورد، محل بسته‌شدن قرارداد که همان محل بانک بزهکار است، جایی است که بزهکار

۱. برای دیدن بررسی کامل این نظریه بنگرید به: (امینی و میری، ۱۳۹۵: ۵۳-۷۶).

۲. برای دیدن بررسی کامل این نظریه بنگرید به: (امینی و میری، ۱۳۹۷: ۱۷۳-۱۹۹).

مال را به دست می آورد. روشن است که اگر بستانکارسازی حساب و امکان برداشت از حساب را نیز شرط بدانیم، حتی اگر پیرو دکترین حقوقی، برداشت از حساب را ملاک ندانیم، باز هم بردن مال در محل بانک بزهکار تحقق می یابد. همچنین در صورتی که امکان انتقال طلب بدون صدور دستور پذیرفته شود، دستور صرفاً اعلام رخداد انتقال طلب در گذشته خواهد بود و در این حالت نیز صلاحیت دادگاه به محل حساب بانکی مرتبط نمی شود، مگر آنکه قابلیت برداشت از حساب کافی دانسته شود که در این صورت، دادگاه محل استقرار بانکی که بزهکار در آن حساب دارد، شایسته رسیدگی است.

۳-۴. نظریه دستور پرداخت به عنوان نمایندگی

اگر صدور دستور انتقال وجه از سوی بزه دیده را ایجاب اعطای نمایندگی به بانک خود برای انتقال وجه به حساب بانکی بزهکار به شمار آوریم تا هنگامی که نماینده، وجه را به بزهکار تحویل نداده باشد، مالی تحصیل نمی شود؛ به ویژه در صورتی که بانک وی برای پذیرش انتقال اختیاری نداشته باشد. در این صورت، تحصیل مال هنگامی رخ می دهد که این بانک از سوی بزهکار برای پذیرش دستور یا همان دریافت مبلغ مختار باشد. با پذیرش بانک بزهکار یا خود وی، مفاد نمایندگی یعنی پرداخت وجه و در نتیجه آن تحصیل مال محقق می شود و دادگاه همین محل شایسته رسیدگی خواهد بود. روشن است که اگر قابلیت برداشت یا برداشت عملی را شرط بدانیم، باز هم نهاد شایسته جایی است که بانک بزهکار در آن قرار دارد.

۴-۴. نظریه دستور پرداخت به عنوان ماهیتی خاص

برخلاف نظریه انتقال تعهد که در آن موضوع قرارداد، انتقال طلب بود، در این دیدگاه، موضوع قرارداد بدهکاری حساب و صدور دستور به بانک ذی نفع است و در مقابل، موضوع تعهد بانک ذی نفع نسبت به ذی نفع، بستانکاری حساب او است. در اثر این قرارداد، بانک موظف به پذیرش دستورهای انتقال صادر شده از سوی بانک پرداخت کننده خواهد شد. در این حالت، اساساً جابه جایی وجهی صورت نمی گیرد، بلکه بانک ها به نمایندگی از پرداخت کننده یا ذی نفع صرفاً دستور پرداخت را انجام می دهند یا می پذیرند. تکلیف بانک پرداخت کننده کاهش موجودی حساب دستور دهنده (بدهکار کردن حساب) و تکلیف بانک ذی نفع افزایش موجودی حساب ذی نفع (بستانکار کردن حساب) است.

بر پایه تحلیل انتقال وجه به مثابه قراردادی خاص نیز همین بر ایند به دست می آید؛ زیرا تا هنگامی که حساب ذی نفع بستانکار نشده است، انتقال وجهی روی نمی دهد. حتی اگر به برداشت واقعی از حساب نیازی نباشد، بستانکار شدن حساب شرط امکان برداشت و شرط تحقق انتقال خواهد بود.

نتیجه

از این پژوهش یافته‌های زیر به دست می‌آیند:

۱. کلاه‌برداری رایانه‌ای بزهی است که دست‌کم یکی از ارکان تشکیل دهنده آن از طریق ابزارهای ارتباطی انجام می‌گیرد.
۲. رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور بدون در نظر گرفتن ماهیت حقوقی انتقال وجوه، دادگاه محل بانک شاکی را صالح شناخته است. در حالی که از دریچه بررسی سرشت حقوقی انتقال وجه، دلیلی برای پذیرش صلاحیت دادگاه محل بانک دستوردهنده یا واریزکننده وجود ندارد.
۳. اگر ماهیت حقوقی انتقال الکترونیکی وجه را بر پایه سند تجاری یا قابل انتقال بررسی کنیم، دستور انتقال همانند سند مالی است که بزه‌دیده به بانک خود ارائه می‌کند؛ اما چون طبق قانون صرف دستیابی به چنین سندی به معنای وقوع بزه نیست تا هنگامی که بزه‌کار عملاً وجه را تصرف نکرده باشد، نمی‌توان کلاه‌برداری را محقق دانست.
۴. چنانچه ماهیت حقوقی انتقال الکترونیکی وجه را بر پایه انتقال طلب بررسی کنیم، دستور بزه‌دیده همانند ایجاب قرارداد انتقال طلب از بانک خودش به بانک بزه‌کار است. تا وقتی این ایجاب پذیرفته نشود، انتقالی انجام نمی‌شود. حتی اگر پذیرفته شود، باز هم تا هنگامی که بزه‌کار طلب را دریافت نکند، تحصیل مال رخ نداده است.
۵. اگر ماهیت حقوقی انتقال الکترونیکی وجه را بر پایه نمایندگی بررسی کنیم تا پیش از پرداخت از سوی نماینده (بانک شاکی) به بزه‌کار، تحصیل مال رخ نمی‌دهد.
۶. چنانچه ماهیت حقوقی انتقال الکترونیکی وجه را بر پایه قراردادی ویژه بررسی کنیم تا وقتی بانک حساب بزه‌کار را بستانکار نکرده است، تحصیل مال رخ نداده است.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۷). حقوق جزای عمومی، جلد یکم، تهران: میزان.
۲. امینی، منصور و میری، حمید. (۱۳۹۵). دستور پرداخت در انتقال الکترونیکی وجوه مانند سند قابل انتقال؛ با رویکردی تطبیقی، حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۷۶-۵۳.
<https://doi.org/10.22059/jcl.2016.58599>
۳. امینی، منصور و میری، حمید. (۱۳۹۷). دستور پرداخت در انتقال الکترونیکی وجوه به مانند ایجاب انتقال تعهد، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۱۹۹-۱۷۳.
<https://doi.org/10.22054/jplr.2018.9009>
۴. آخوندی، محمود. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. بازوند، وحید و نورمحمدی، حسین. (۱۴۰۲). نقش دوگانه ابزار رایانه‌ای در تحقق کلاه‌برداری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۲۲، صص ۴۴-۲۱.
<https://doi.org/10.22106/jlj.2023.553967.4837>

۶. بشیریه، بزرگمهر. (۱۴۰۲). مرجع قضایی صالح به رسیدگی در جرم کلاهبرداری مرتبط با رایانه؛ بررسی و نقد رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ دیوان عالی کشور (۱۳۹۱/۱۲/۰۱)، نقد و تحلیل آرای قضایی، شماره ۲، صص ۵۴۰-۵۳۳. <https://doi.org/10.22034/analysis.2023.2008634.1060>
۷. پورابراهیم، احمد. (۱۴۰۱). کلاهبرداری سستی و کلاهبرداری رایانه‌ای: تقابل یا آشتی؛ با رویکردی بر امکان تجدیدنظر در قانون موضوعه ایران، قضاوت، شماره ۱۱۱، صص ۱۴۳-۱۲۴. https://www.ghazavat.org/article_710460.html
۸. رستمی، هادی. (۱۳۹۸). کلاهبرداری رایانه‌ای؛ تأملی بر ارکان جرم و آثار آن، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۸، صص ۸۲-۵۱. <https://doi.org/10.30513/cld.2020.558>
۹. طباطبایی، حسین. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی کلاهبرداری رایانه‌ای با کلاهبرداری سنتی با تأکید بر امنیت تجارت الکترونیکی، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۶، صص ۱۵۹-۱۳۷. https://jclc.sdil.ac.ir/article_40884.html
۱۰. طهماسبی، جواد. (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، تهران: میزان.
۱۱. عالی‌پناه، حسن. (۱۳۸۶). کلاهبرداری رایانه‌ای، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۶، صص ۲۳۸-۲۰۳. https://jlr.sdil.ac.ir/article_44694.html
۱۲. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۱). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.
۱۳. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۳). محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ سوم، تهران: گنج دانش.
۱۴. گلدوست جویباری، رجب. (۱۴۰۱). آیین دادرسی کیفری، چاپ هفدهم، تهران: میزان.
۱۵. میرمحمدصادقی، حسین و شایگان، محمدرسول. (۱۳۸۶). راهکارهای مقابله با جرم کلاهبرداری رایانه‌ای در حقوق کیفری ایران، دیدگاه‌های حقوقی، شماره‌های ۴۲ و ۴۳، صص ۱۲۶-۱۰۹.
۱۶. میرمحمدصادقی، حسین و شایگان، محمدرسول. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی کلاهبرداری سنتی و رایانه‌ای و مجازات‌های آن‌ها در نظام حقوقی ایران، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره‌های ۵۱ و ۵۲، صص ۱۶۲-۱۳۷.
۱۷. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۷). جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران: بنیاد حقوقی میزان.